

شبکه لابی ملایان و بحث شیرین دلار!

(بخش دوم)

تهیه و تنظیم: حسن داعی

hassan.dai@yahoo.com

www.iranianlobby.com

"آنچه در ایران اتفاق افتاده، نه ظهور یک بخش خصوصی مستقل بلکه قشری انگلی وابسته به جناحهای حکومتی موجود است. رژیم ملایان هیچگاه قدرت سیاسی یا اقتصادی را با غیر خودی ها تقسیم نکرده است. از اینرو، همانطور که با بررسی فعالیت های شرکت "آتیه بهار" مشاهده میکنیم، این کمپانی بصورت زانده ای از باندهای درونی حکومت، به دلالتی و زد و بند اقتصادی مشغول است. با بررسی فعالیت شرکت "آتیه" میتوان به زنجیره ای از دهها کمپانی ظاهراً خصوصی برخورد که سرمنشا و سلسله گردان آنها عمدتاً تعداد انگشت شماری از مسئولان بالای حکومت اند. این مجموعه شرکتهای تو در تو و وابسته بهم، بخشی از همان مافیای اقتصادی رژیم ملایان است."

معجزه دو قلو

آشنائی "تریتا پارسی" با "سیامک نمازی" و همکاری مشترک شان برای راه اندازی یک لابی در آمریکا، داستانی است که ما را با مافیای اقتصادی رژیم آخوندی بیشتر آشنا میکند و ضمناً میتوانیم درک واقعی تری از حامیان خارجی حکومت ایران بدست آوریم. اما اگر به عمق و ابعاد قضیه توجه نشود، داستان پارسی و نمازی، بیشتر شبیه یک رویای شیرین و چیز بی مانند داستان "سیندرلا" یا "شاه پریان" به نظر میاید که به هرچه دست میزنند به طلا تبدیل میشود و همه دریاها بروی آنان باز میگردد.

در سال ۱۹۹۷، تریتا پارسی که یک دانشجوی ایرانی مقیم سوئد بود به آمریکا رفت و یک لابی یکنفره را در کنگره آمریکا شروع کرد. وی در اعلامیه ای که در همان زمان بزبان انگلیسی نوشت چنین میگوید:

«۱۴ نفر از ایرانیان یا دوستداران ایران بیانیه ای را امضا کرده اند که خطاب به نمایندگان کنگره آمریکاست و از آنان میخواهد که تحریم های علیه ایران را لغو کرده و وارد گفتگو با ایران شود. باید ایرانیان بخود بیایند و صدایشان را بگوش مسئولین آمریکایی برسانند. ولی تا کنون، فقط مجاهدین خلق، کنت تیمرمن و لابی طرفدار اسرانیل در صحنه فعال بوده اند..... قدم بعدی رساندن این بیانیه به دست نمایندگان مجلس و سنای آمریکا بود. بمدت چهار روز من یک تنه از این دفتر نماینده کنگره به آن یکی رفتم و آنرا شخصاً بدست مشاورین و مسئولین دفتر آنان دادم. آنان همه شگفت زده بودند که یک دانشجوی سوئدی-ایرانی برای پایان دادن به انزوای کشورش مشغول لابی کردن است. من فعالیت های خود در کنگره را به اطلاع امضا کنندگان بیانیه رساندم و نتیجه آن شد که ما یک گروه لابی درست کردیم.»

دنباله داستان "تریتا پارسی" و فعالیت های چشمگیر او در آمریکا، بسیار سوال برانگیز و قابل توجه تر است. وی در حالیکه هنوز در سوئد زندگی میکرد و دانشجویی بیش نبود، به مقام "مشاور سیاست خارجی" باب نی رسید که یکی از قدرتمندترین (و فاسدترین) نمایندگان کنگره آمریکا بود. ۴ سال بعد در سال ۲۰۰۱، تریتا به آمریکا آمد و بلافاصله مدیر شورای ایرانی-آمریکایی (AIC) وابسته به هوشنگ امیر احمدی شد. شورائی که در هیئت مدیره آن دهها رئیس و مدیر عامل کمپانی های نفتی و سناتور آمریکایی حضور داشتند. یکسال بعد در ۲۰۰۲، "پارسی" با چند نفر از دوستان خود انجمن "نیاک" را تشکیل داد. هنوز مرکب اساسنامه این انجمن خشک نشده بود که دو موسسه معروف سیاسی امریکا به وی کمک مالی کردند. چند ماه بعد، یکی از مهمترین لابیست های آمریکا بنام

"روی کافی" که از دوستان خانواده بوش بود به کمک تریتا پارسی آمد و برای اعضای انجمن نیاک، جلسات خصوصی آموزش لابیگری در یک رستوران حومه واشنگتن برگزار نمود. این داستان شبیه آن است که "موتزارت" به خانه من و شما بیاید و برای فرزندانمان کلاس خصوصی موسیقی برگزار کند.^۲

متعاقباً تریتا پارسی اقدام به نوشتن کتابی در مورد رابطه ایران و آمریکا و اسرائیل میکند. در این کتاب با استفاده از شیوه های بدیع ثابت شده که از سال ۱۹۹۲ بعد، دولت اسرائیل تنها مانع بهبود روابط ایران و آمریکا بوده است و تاکید شده که علیرغم آمادگی ملایان برای حل مشکلات فی مابین، دولت آمریکا تحت فشار اسرائیل از اینکار چشم پوشیده است. برای نوشتن این کتاب نیز تمام دریاها بروی "تریتای" جوان باز میشود. دو سال قبل از انتشار این کتاب، یکی از مسئولان بالای رژیم ملایان، یک سند کاملاً محرمانه را در اختیار وی قرار میدهد تا او در کتابش از آن استفاده کند. ظاهراً این سند آنقدر مخفی بود که تنها ۴ نفر در ایران از آن باخبر بودند. خامنه ای، خاتمی، کمال و صادق خرازی. یعنی ارزش کتاب "تریتا" از رفسنجانی و سپاه و مجلس نیز بالاتر بوده است!^۳

بلافاصله پس از انتشار این کتاب، بنیاد "راکفلر" و بقیه محافل ریز و درشتی که تمام دغدغه شان کنار آمدن با حکومت آخوندی است به میدان آمده و برای ارتقاء و تبلیغ این کتاب، به برگزاری سخنرانی و مصاحبه با نویسنده جوان مذکور اقدام نمودند. داستان رویایی تریتا بهمین جا ختم نمیشود. ظاهراً مقرر شده بود که او یک شبه ره صد ساله به پیماید... اکنون نوبت به آن رسیده بود که وی برای دفاع از تز دکترای خود حاضر شود. جالب است بدانیم که برای ایفای نقش استاد راهنما، دکتر برژینسکی، شخصاً در آن جلسه حاضر میشود.



سفر مشترک تریتا و سیامک نمازی به آتشکده یزد، تابستان ۲۰۰۰ (از یکدیگر عکس گرفته اند)^۴

ادامه داستان شیرین این سیندرلای جوان را در همینجا متوقف میکنیم و به سراغ شریک و دوست وی یعنی "سیامک نمازی" میرویم. محمد باقر نمازی، پدر سیامک است. وی در زمان حکومت گذشته یکی از مهمترین مقامات دولتی و منجمله سالها استاندار خوزستان بود. خوشبختانه پس از انقلاب هیچ خطری متوجه ایشان نشد و سه سال بعد، خانواده نمازی به خارج از کشور میروند و با یک جهش خیره کننده، محمد باقر بعنوان دیپلمات ارشد سازمان ملل در امور خیریه کار خود را شروع میکند. با آغاز ریاست جمهوری رفسنجانی، دختر این خانواده یعنی "پری نمازی" به همراه همسرش "بیژن خواجه پور"، شرکت مشاوره (دلالی) آتیه بهار را در سال ۱۹۹۳ در تهران تأسیس میکند. کار اصلی این شرکت، کمک به کمپانی های بزرگ چند ملیتی برای ورود به بازار ایران است. اتفاقاً فعالیت عمده آتیه نیز در تجارت نفت و مشتقات آن است. در آغاز، برادر بزرگتر یعنی "بابک نمازی" که بتازگی درس حقوق خود را در آمریکا تمام کرده به شرکت آتیه میروند و بخش حقوقی این شرکت را برعهده میگیرند. بعد برادر کوچکتر یعنی سیامک به این شرکت آمده و مدیرعامل بخش مشاوره آتیه میشود. داستان ظهور و صعود خانواده نمازی و شرکت آتیه، به همان شیرینی افسانه تریتا پارسی است.

در عرض چند سال، این شرکت به یکی از مهمترین بازیگران در قلمرو فعالیت های اقتصادی داخل کشور و همچنین کار سیاسی در خارج از کشور تبدیل میگردد. داستان خانواده نمازی و تریتا پارسی، قبل از آنکه نشانی از معجزه باشد، ریشه در مافیای اقتصادی داخل ایران از یکطرف و کمپانی های مهم آمریکا از طرف دیگر دارد. هدف از گزارش حاضر نیز قبل از هر چیز شناخت آندسته از محافل اقتصادی و سیاسی است که برای حفظ و استمرار منافع کلان خود، با حمایت از رژیم ملایان، راه را بر هرگونه تحول دموکراتیک و نجات مردم از دست جلادان حاکم بر ایران بسته اند.

پس از پایان جنگ با عراق، رفسنجانی رئیس جمهور شد و هدف خود را ظاهراً گشایش نسبی و کنترل شده اقتصاد ویران شده ایران قرار داد. تا آنزمان، اقتصاد کشور عمدتاً توسط دو قطب مهم یا مافیای اقتصادی کنترل میگردید. یکی بنیادهای بزرگ مثل بنیاد مستضعفان یا بنیاد شهید و آستان قدس رضوی بودند که با سرمایه های عظیم و تاراج کرده خود بخش های مهمی از اقتصاد کشور را در تیول خود داشتند. بخش دوم نیز نهادهای رسمی خود دولت بود که عمدتاً در جهت تأمین نیازهای جنگ با عراق کوک شده بود. در مجموع جریانات وابسته به بازار و روحانیت سنتی، با استفاده از رانت های حکومتی، نیروی مسلط در اقتصاد ایران بودند.

بعد از جنگ و در زمان ریاست جمهوری رفسنجانی شاهد ظهور دو مافیای جدید هستیم که اولی به خانواده فاسد رفسنجانی وابسته است و دیگری در سیطره رهبران سپاه پاسداران قرار دارد که پس از پایان جنگ با عراق و تأسیس شرکت های گوناگون، تازه نفس در تاراج سرمایه های مملکت سهیم شدند.

مافیای رفسنجانی بطور عمده در صنعت نفت رشد کرد و قدرت گرفت. سرکردگان این قطب اقتصادی جدید، عموماً از صاحب منصبان دولتی بوده و با آزاد سازی نسبی اقتصاد و رشد باصطلاح بخش خصوصی در آغاز دهه هفتاد شمسی، با راه اندازی دهها شرکت و بانک خصوصی، کنترل بخش های مهمی از اقتصاد کشور را بدست گرفتند.

یکی از مهمترین محور های اقتصادی مافیای رفسنجانی، جذب سرمایه ها و متخصصان خارج از کشور بود. بدین منظور تسهیلات و قوانین جدیدی به اجراء درآمد مثلاً در برنامه اول توسعه (۱۳۶۸-۷۲)، دولت ایجاد سه منطقه آزاد تجاری- صنعتی کیش، قشم و چابهار را در سال ۱۳۶۹ اعلام نمود. در ایندوره، دولت ایران توانست بطور بسیار محدود، بخش هایی از صاحبان سرمایه و گروههایی از متخصصان را به مملکت بکشاند. در حقیقت، آنچه باند رفسنجانی را از دیگر مافیاهای اقتصادی ایران متمایز میکند، رابطه ارگانیک آن با محافل اقتصادی در غرب بخصوص کمپانی های نفتی است.

رفسنجانی با یک تیر دو نشان زد. با جذب بخش ناچیزی از سرمایه داران و متخصصان خارج به ایران و نشان دادن آنان بر سر سفره رنگینی که از تاراج نفت مملکت فراهم شده بود، هم قدرت اقتصادی خود در داخل و خارج کشور را مستحکم نمود و هم بخاطر حمایتی که در غرب توسط این دسته از محافل سرمایه داری بدست آورده بود، نفوذ سیاسی خود در خارج از کشور را تقویت کرد. موفقیت نسبی ملایان در راه اندازی شبکه وسیع لابی نیز به کمک این دسته از شریکان اقتصادی رژیم در آمریکا و اروپا امکان پذیر بود. برای شناخت لابی ملایان، درک مکانیزم بالا ضروری است.

اما در رابطه با رشد بخش خصوصی در دوران پس از جنگ، ذکر یک نکته ضروری است تا اشتباهات روند باصطلاح آزاد سازی دوران رفسنجانی و اقدامات ظاهری مشابه را با روند معمول در دیگر کشورها یکسان تصور نکرده باشیم. اقتصاد ایران به اذعان اکثریت قریب به اتفاق کارشنان بیطرف، با تمام اصول شناخته شده دنیای مدرن تناقض دارد. اقتصاد آخوندی، ملغمه ای است از باندهای مافیایی که بدون یک برنامه مدون یا استراتژیک، در حال تاراج سرمایه های کشور و خرج آن برای اهداف پلید خود میباشند.

شاید ایران تنها کشور شناخته شده در جهان است که حتی ابتدائی ترین آمار اقتصادی قابل اعتماد که برای هرگونه برنامه ریزی ضروری است در آن وجود ندارد. میزان بدهی خارجی دولت، نرخ تورم، میزان سرمایه گذاری خارجی، دخل و خرج دولت، ذخیره ارزی، میزان ریخت و پاش رژیم ایران در دیگر کشورهای جهان و همچنین سهم هر یک از جناحهای حکومتی در چپاول سرمایه های کشور، برای هیچ کارشناس داخلی یا خارجی شناخته شده نیست. این خصوصیت منحصر بفرد اقتصاد آخوندی است که بجای شباهت به مدلهای اقتصادی شناخته شده جهان، بیشتر به چپاول و غارت اموال یک کشور توسط اشغالگران خارجی شبیه است.

بنابراین آنچه در ایران اتفاق افتاده، نه ظهور یک بخش خصوصی مستقل بلکه قشری انگلی وابسته به جناحهای حکومتی موجود است. رژیم ملایان هیچگاه قدرت سیاسی یا اقتصادی را با غیر خودی ها تقسیم نکرده است. از اینرو، همانطور که با بررسی فعالیت های شرکت "آتیه بهار" مشاهده میکنیم، این کمپانی بصورت زانده ای از باندهای درونی حکومت، به دلالتی زد و بند اقتصادی مشغول است. با بررسی فعالیت شرکت "آتیه" میتوان به زنجیره ای از دهها کمپانی ظاهراً خصوصی برخورد که سرمنشا و سلسله گردان آنها عمدتاً تعداد انگشت شماری از مسنولان بالای حکومت اند. این مجموعه شرکتهای تو در تو و وابسته بهم، بخشی از همان مافیای اقتصادی رژیم ملایان است.



این کمپانی شامل یک بخش اصلی بنام "مشاوره" برای کمپانی های بین المللی است که ۳ مدیر آن، سیامک نمازی، بیژن خواجه پور و یک جوان اتریشی الاصل بنام "فریشن اشلاگر" میباشند. بیژن خواجه پور، همسر پری نمازی یعنی خواهر سیامک است. بنا به گفته نشریات اقتصادی بین المللی، آتیه بهار مهمترین شرکت مشاوره برای کمپانی های غربی در ایران است.

پری نمازی مسئولیت بخش "مدیریت منابع انسانی" شرکت آتیه را بعهدده دارد. بابک نمازی که برادر بزرگتر سیامک است نیز "شرکت حقوقی آتیه" را اداره میکند. شرکت آتیه صاحب بخش های کامپیوتری، مطبوعاتی و غیره نیز هست که به آن اشاره میکنیم.

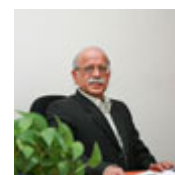
مهمترین فعالیت آتیه، مشاوره به کمپانی های بزرگ غربی است. برای شناخت مشاوره ای که میتوان به یک کمپانی خارجی برای ورود به بازار ایران داد بهتر است بطور مثال به دو مشتری آتیه یعنی شرکتهای نروژی "استات اویل" و فرانسوی "توتال" اشاره نمود این دو غول نفتی جهان، برای ورود به بازار پروتق ایران، مجبور به پرداخت دهها میلیون دلار رشوه به پسر رفسنجانی شده اند. باید اضافه کنیم که بیژن خواجه پور ضمنا رئیس شرکت نفتی "آذر انرژی" نیز میباشد که اعضای مدیریت آن عمدتا از کسانی هستند که قبلا برای کمپانی های نفتی نروژ کار کرده اند.

برای شناخت ارتباط کمپانی "آتیه" با رژیم ملایان و مافیای اقتصادی مملکت، از آن جوان اتریشی شروع میکنیم.



"فریشن اشلاگر" که بر ما معلوم نیست با چه شگرد و چشم بندی به مافیای آخوندی وصل شده، به گفته وبسایت شرکت آتیه، "افزون بر کار در آتیه بهار، مؤسس و مدیرعامل شرکت خدمات مناطق آزاد می باشد، که با سه سازمان دولتی مناطق آزاد شراکت دارد." یعنی شلاگر رسما با بخشی از رژیم ایران شریک است.

از طرف دیگر، شلاگر مدیر عامل یک شرکت مشاوره مالی بنام Middle East Strategies (MES) نیز میباشد که تنها شریک وی، فردی است بنام "احمد حاتمی یزد" که خود یکی از سران مافیای مالی - نفتی است. نگاهی به پست های دولتی حاتمی بخوبی گویای موقعیت وی در درون رژیم است: رئیس سابق بانک صادرات (دومین بانک ایران)، مدیر کل بانک تجارت، معاون شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی، مدیر کل فروش نفت خام در شرکت نفت ملی ایران، معاون سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، مدیر بخش روابط بین المللی در شورای عالی مناطق آزاد.^۶ (عکس احمد حاتمی یزد)



این شراکت دو نفره بین حاتمی و اشلاگر، کارش فراهم کردن امکانات مالی برای معاملات شیرین و پرسودی است که باندهای مختلف رژیم (غالبا باند رفسنجانی) با طرفهای خارجی می بندند. این معاملات هرکدام گاهها بالغ بر صدها

میلیون دلار تا بیش از یک میلیارد دلار میشوند. جای این سوال با معنا کماکان باقی است که چگونه و چرا یک جوان اتریشی و این حامی یزد بهم رسیده و این کاسبی حلال را براه انداخته اند.

حال که با یکی از مدیران آتیه بهار آشنا شدیم به سراغ بیژن خواجه پور یعنی رئیس آتیه بهار برویم. ایشان در دهها موسسه و بنیاد و نهاد رسمی دولتی-اقتصادی عضویت دارد که به مهمترین آنان اشاره میکنیم. این شرکتها، بدون استثناء دارای مدیرانی است که از بالاترین مهره های مافیای اقتصادی و سیاسی حکومت اند. بعنوان مثال، خواجه پور مدیر عامل شرکت نفتی "قشم انرژی" است که با منطقه آزاد قشم یعنی یکی از نهادهای اقتصادی رژیم ایران رسماً شریک است.^۷ رئیس شرکت "قشم انرژی"، فردی بنام "نرسی قربان" است. ایشان یکی از مهمترین عناصر نفتی رژیم در سالهای گذشته بوده است. وی یک از ثابت ترین سخنرانان در کنفرانس های دولتی ایران در مورد نفت میباشد. نرسی قربان مدیر موسسه ظاهراً مطالعاتی "کاسپین" است که عضو مهم دیگر آن "عباس ملکی"، معاون وزارت خارجه رفسنجانی و مشاور خامنه ای است. ضمناً، نرسی قربان مدیر عامل یکی از مهمترین شرکت های گاز در ایران یعنی "شرکت گاز به مایع کرگنگان" است. رئیس این کمپانی عظیم، یکی از مهره های مهم اقتصادی حکومت بنام علی شمس اردکانی است. این فرد نیز یکی از سران مافیاست. برخی از مسئولیتهای رسمی این فرد همچون رئیس سابق اتاق بازرگانی، سفیر سابق ایران در کویت و دهها پست دیگر در وزارت نفت و وزارت خارجه نشانی از جایگاه ویژه او در اختاپوس حاکم بر کشور است. ایشان اولین رئیس و بنیانگذار نهاد مسنول منطقه آزاد قشم در سال ۱۳۶۹ است.



علی شمس اردکانی

بیژن خواجه پور بجز مدیریت شرکت های آذر انرژی، قشم انرژی، آتیه بهار، ضمناً به کمک سیامک نمازی مجله "ایران استراتژیک فوکوس" در لندن را نیز منتشر میکند. این نشریه به شرکت مهم انگلیسی "مناس" وابسته است. مهمترین بخش کار خواجه پور و نمازی، مدیریت کارزار تبلیغاتی و لابی بنفع رژیم در خارج از کشور و بخصوص در آمریکاست که در گزارش بعدی بان اشاره میشود.

به سراغ برادر کوچکتر خانواده یعنی بابک نمازی برویم. ایشان علیرغم کمی سن، بلافاصله پس از ورود به ایران مدارج ترقی را یکی پس از دیگری طی نموده و در عرض یکی دو سال به یکی از مهره های موثر و با نفوذ مافیای رژیم تبدیل شده است. ایشان یکی از کسانی است که قانون سرمایه گذاری خارجی را برای "مجمع تشخیص مصلحت" نوشته است.^۸

برای درک جایگاه این وکیل تازه به ایران رسیده؛ به یک نمونه نگاه کنیم. در سال ۲۰۰۰، اتاق بازرگانی بریتانیا یک کنفرانس نفتی در مورد ایران برگزار نمود که گذشته از مهمترین مقامات رژیم، بابک نمازی، بیژن خواجه پور و همچنین شهریار افشار به سخنرانی پرداختند. جالب اینجاست که در یک پانل سه نفره که بابک نمازی در مورد قوانین سرمایه گذاری در ایران سخنرانی نمود، دو نفر دیگر پانل نیز از عناصر مهم دولتی ایران بودند.^۹



بابک نمازی (سمت چپ) و شهریار افشار در کنفرانس نفتی سال ۲۰۰۰ در لندن

شرکت آتیه بهار و مسنولان آن نه تنها در اکثر کنفرانس های نفتی رژیم در زمره سخنرانان اصلی هستند، بلکه در برخی از موارد، در کنار مسنولان رژیم، مشترکا برگزار کننده کنفرانس نیز بوده اند که میتوان به دو مورد اشاره کرد. یکی در سال ۱۹۹۸ در لندن بود که تحت عنوان "فرصت های جدید در صنعت نفت و گاز ایران" برگزار شد و در آن بیژن خواجه پور و نرسی قربان سخنرانی کردند.^{۱۰}

دیگری کنفرانسی در ژوئای ۲۰۰۰ در لندن بود^{۱۱} که آتیه بهار برای برگزاری کنفرانس با شرکت نفت ایران همکاری نمود و حتی قبل از کنفرانس اصلی، یک "پیش کنفرانس توضیحی" توسط مسنولان آتیه برگزار گردید. در این کنفرانس مهمترین مسنولان نفتی رژیم منجمله مهدی هاشمی رفسنجانی به سخنرانی پرداختند.

در کنفرانس دیگری که در سال ۲۰۰۶ تحت عنوان "همکاری ایران و چین" در تهران برگزار شد، بجز مهمترین مسنولان حکومتی، میتوان به سخنرانی بیژن خواجه پور و همسرش پری نمازی اشاره نمود. سخنرانی پایان کنفرانس نیز توسط علی اکبر ولایتی و عباس ملکی دوست نزدیک بیژن خواجه پور انجام گرفت.^{۱۲}

شرکت آتیه بهار ضمنا در سال ۱۹۹۹، یک مرکز اداری تجاری در تهران براه انداخت^{۱۳} که فقط برای کمپانی های خارجی که با ایران کار میکنند در نظر گرفته شده بود. آتیه ضمنا یک صندوق سرمایه گذاری در بورس تهران به راه انداخت که برای ایرانیان مقیم خارج که خواهان شرکت در این امر ملی هستند در نظر گرفته شده بود.^{۱۴}

صلح طلبی و بوی خوش نفت

البته تمام موارد ذکر شده بالا تنها بخش ناچیز و آشکار روابط خانواده نمازی با حکومت ملایان است. قبل از آنکه به اصل موضوع یعنی راه اندازی لابی رژیم در آمریکا و نقش آتیه بهار بپردازیم، شاید بهتر باشد که نگاهمان را کمی گسترده تر کرده و به یک نمونه دیگر نیز نظری بیافکنیم. این نمونه بطور خاص برای آندسته از صلح طلبان قلابی که با دفاع مضمّن کننده از ملایان صبحانه میخورند و با ناسزاگویی مبتذل به امپریالیسم روز را سپری میکنند، بسیار آموزنده و ضروری است.

همانطور که در سلسله گزارشات قبلی اشاره شد، در سال ۲۰۰۵ با آغاز ریاست جمهوری احمدی نژاد و ارسال پرونده هسته ای ملایان به شورای امنیت سازمان ملل، یک حزب الهی دو آتشه بنام "عباس عدالت"، ناگهان ضد امپریالیست و صلح طلب شد و محفل ضد جنگ "کاسمی" را در لندن و آمریکا راه انداخت. همانطور که در گزارشات قبلی توضیح داده شد، سازمان کاسمی در آمریکا، از دو دسته از افراد تشکیل شد که نیمی از هیئت اجرایی آن افراد وابسته به تریتا پارسی و انجمن نایاک بودند و نیم دیگر نیز عناصری هستند که تحت نام "چپ" و مبارزه خیالی با سرمایه داری و امپریالیسم، تمام تلاش خود را برای حفظ حکومت آخوندی و بخصوص دفاع از سیاستهای ماجراجویانه اتمی آنان بکار میبرند.^{۱۵}

راستی "عباس عدالت" از کجا آمده و سابقه اش چیست که تا این میزان صلح طلبی در تمام وجودش رخنه کرده است؟ عدالت در دانشگاه صنعتی شریف با عباس ملکی (معاون وزارت خارجه و مشاور رهبر) همکار بود، در سال

۱۹۹۹ این دو نفر یک بنیاد خیریه تحت نام "بنیاد دانش و هنر" تأسیس نمودند که ظاهراً وظیفه اش "فراهم نمودن تسهیلات بخصوص کامپیوتر برای مدارس ایران و جوانان در کشورهای رو به رشد است".^{۱۶}

طبیعتاً در مملکتی که از صدقه سر این رژیم غارتگر، بخشی از جوانان نگون بخت و دانشجویان و دانش آموزان بینوای آن برای ادامه زندگی چه بسا مجبور به تن فروشی و کلیه فروشی میشوند، باید هم بنیادی مانند همین موسسه عباس ملکی و عباس عدالت وجود داشته باشد تا به جوانان محتاج در کشورهای دیگر کمک کند. در واقع این موسسه سکوی پرش و محمل تبلیغاتی عباس عدالت و رفقاییش در خارج از کشور بود. وی با سواستفاده از همین عنوان خیرخواهانه به خیلی از محافل انساندوست و گروه‌های وابسته به گرایش‌ات چپ در اروپا و امریکا راه پیدا کرد، البته ترکیب هیئت مدیره این محفل بسیار "صلح دوست" میتواند گویای حقایق تکان دهنده ای برای جریان‌ات مترقی واقعی و اصیل باشد.

رئیس این بنیاد کاملاً خیریه در تهران فردی است بنام "محمد رضا حائری یزدی" که مدیر کل تحقیق و بررسی وزارت صنایع رژیم بوده است.^{۱۷} ایشان در عین حال مدیر عامل و عضو هیئت مدیره شرکتی بنام "مگفا" در ایران است که بنوبه خود زیر مجموعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (بخشی از دولت) میباشد. دو شریک دیگر حائری در این کمپانی نیز هر دو نفر معاون وزیر در حکومت آخوندی میباشند.^{۱۸}

علیرضا امامی که رئیس هیئت مدیره شرکت مگفاست، مدیر کل سه وزارتخانه دولت بوده است. مهرداد کارگری، عضو دیگر هیئت مدیره است که ضمناً عضو هیئت مدیره منطقه آزاد کیش نیز هست.

داستان به همینجا ختم نمی شود. بنیاد خیریه "دانش و هنر" که عباس عدالت براه انداخته و میخواید جوانان جهان را با کامپیوتر آشنا کند، صاحب یک عضو هیئت مدیره جالب دیگر نیز هست و آن شخصی بنام "ضیاء متحده" است. ایشان به تنهایی نمونه ای از صلح طلبی به شیوه آخوندی و دلسوزی برای کودکان کشورهای عقب مانده است. جناب متحده عضو هیئت مدیره شرکت "سخت آژند"، رئیس هیات مدیره و مدیر عامل شرکت میخ پرچ ایران، رئیس هیات مدیره شرکت نورد آلومینیوم، رئیس هیات مدیره شرکت آوم پارس، رئیس هیات مدیره شرکت زیراکس ایران، عضو و رئیس هیات مدیره، بسیاری از شرکتهای و سازمانهای انتفاعی و غیرانتفاعی در ایران است.^{۱۹}

هموطنانی که گزارش قبلی را دنبال کرده اند بیاد میآورند که دو کارخانه آلومینیوم یاد شده در بالا و همچنین نمایندگی کمپانی آمریکائی زیراکس، همگی متعلق به برادران "علاقیند" میباشند. این خانواده همانی است که دو ماه گذشته بطور قاچاق سه هواپیما را به شرکت "ماهان" وابسته به مافیای رفسنجانی فروخته بود.

به نظر میرسد که هیئت مدیره "بنیاد دانش و هنر" بیشتر شبیه اتاق بازرگانی یا یک محفل مافیایی مدل آخوندی است. آیا از کمپانی آتیه بهار نیز در این بنیاد انساندوستانه کسی حضور دارد؟ پاسخ قطعاً مثبت است. بیژن خواجه پور و همسرش پری نمازی (خواهر سیامک نمازی) نیز از اعضای هیئت مدیره این بنیادی هستند که عباس عدالت پایه گذاری کرده است.^{۱۷} حال با نگاهی به این اسامی این سوال در برابرمان قرار میگیرد که این آدمهای نیکوکار و صلح طلب چگونه همیشه و همه جا یکدیگر را پیدا میکنند و بهم میرسند؟

جالب است بدانیم که بتازگی یک سازمان جدیدی بنام "ایرانیان برای صلح" تشکیل شده که ظاهراً تمام صلح دوستان آنچنانی را گرد هم آورده است. با کمال تعجب؛ تشکیل دهندگان این گروه نیز همان صلح طلبانی هستند که در بالا بان اشاره شد.^{۲۰}

دوستان عباس عدالت و سازمان کاسمی تشکیل دهنده اصلی این انجمن جدید میباشند. گذشته از آن، سه گروه کذابی Iran Alliance – Persian Gulf Onlin – Iran Haritage نیز در این مجمع حضور دارند. این سه گروه در سال ۲۰۰۳ توسط محفل تربیتا پاریسی راه اندازی شدند. باز هم سوال: آیا از خانواده نمازی و شرکت آتیه نیز در این محفل حضور دارند؟ خوشبختانه این سنگر نیز به وجود آنان مزین است. بیژن خواجه پور از تهران (مدیر کل آتیه بهار) و همچنین محمد باقر نمازی که پدر سیامک است نیز عضو این انجمن منادی صلح میباشند. راستی برای مافیای اقتصادی رژیم ملایان و صلح طلبان قلبی دنیا چقدر کوچک است! بحث شیرین دلار ادامه دارد...

ادامه دارد

یادداشت ها:

- ۱- اولین اعلامیه تریتا پارسی <http://www.geocities.com/CapitolHill/Lobby/3725/trita.html>
- ۲- برای شناخت در مورد راه اندازی لابی ملایان و مطالعه مجموعه گزارشات، به بخش فارسی سایت حسن داعی به آدرس زیر بروید.
<http://www.geocities.com/CapitolHill/Lobby/3725/trita.html>
- این سایت بزودی با تغییرات جدید، مجموعه اسناد لابی ملایان را نیز روی سایت در معرض قضاوت خوانندگان قرار میدهد.
- ۳- طبق ادعای تریتا پارسی، یکی از مقامات بالای رژیم ملایان، یک کپی از سند "معامله بزرگ" را در سال ۲۰۰۴ به وی داد. سفیر سونیس در تهران که در جریان معامله بزرگ بود، قبلا گفته بود که این سند کاملا سری بوده و به گفته صادق خرازی فقط ۴ نفر در ایران در جریان آن بودند. برای شناخت بیشتر از این داستان، به مقاله "معامله بزرگ" در سایت حسن داعی مراجعه کنید.
- ۴- سفر مشترک این دو یار دبستانی <http://www.iranian.com/SiamakNamazi/2000/August/Water/index.html>
- ۵- سایت رسمی شرکت آتیه <http://www.atiehbahar.com>
- ۶- سایت رسمی شرکت دو نفره حاتمی و اشلاگر <http://www.mestrategies.com/company.htm>
- ۷- بیژن خواجه پور و شرکت نفتی "قشم انرژی" http://www.geshmenergy.com/aboutus_board.html
- ۸- بابک نمازی، تهیه قانون سرمایه گذاری خارجی در ایران <http://www.pipelinedubai.com/focus/iran0405.htm>
- ۹- کنفرانس سال ۲۰۰۰ http://www.smi-online.co.uk/event_media/programme.asp?is=3&ref=242
- ۱۰- <http://www.iraniantrade.org/london.htm>
- ۱۱- <http://www.netnative.com/news/00/may/1072.html>
- ۱۲- <http://www.iicic.com/IranChina/Program.htm>
- ۱۳- <http://www.payvand.com/news/99/aug/1054.html>
- ۱۴- <http://www.mees.com/postedarticles/finance/iran/a45n27b06.htm>
- ۱۵- به بخش فارسی سایت حسن داعی رفته و دو گزارش در مورد جنگ طلبان دروغین را مطالعه فرمایند.
- ۱۶- <http://www.saf.ir/en>
- ۱۷- محمد رضا حانری یزدی، رییس بنیادی است که عدالت پایه گذاری کرده است. نام بقیه هیئت مدیره نیز به چشم میخورد:
<http://www.saf.ir/en/about>
- ۱۸- حانری یزدی، عضو هیئت مدیره مگفا <http://www.magfa.com/pages.asp?pgName>AboutUs>
- ۱۹- بخشی از مشاغل ضیاء متحده <http://www.s-ajand.com/ex-members-f.htm>
- ۲۰- <http://www.iraniansforpeace.net>

درفش کاویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/parsi/>